



ISSN 2645-7784

Journal of Urban Social Geography

© Department of Geography, Shahid Bahonar University of Kerman, Iran.



Spatial analysis of urban poverty model with emphasis on social indicators and factors affecting its organization, a case study: Ardabil City

Ghorbani, R^a., Dadazade Silabi, P^{b,1}

^a Professor of Geography & Urban Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran.

^b PhD of Geography & Urban Planning, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Research Article

ABSTRACT

Objective: The trend of urbanization in developing countries has been faced with spatial imbalances, polarization of regions and social groups, and unstable urban growth. As the instability caused by this uneven growth has led to the formation of areas of poverty in urban areas. Spatial analysis of these areas determines the extent of deprivation in different areas and prioritizes measures to improve living standards. In this regard, the purpose of this study is to investigate the existing inequalities and show the pattern of poverty in Ardabil urban blocks with emphasis on social indicators during the years 2006 to 2016 and also to investigate the factors affecting the organization of this phenomenon.

Methods: The research method is spatial analysis in terms of applied purpose and approach. The statistical population of this research is the legal limits of Ardabil in 2006 and 2016 and the sample size is all the statistical blocks of the mentioned years. In order to collect research data, the information available in the statistical blocks of 2006 and 2016 in Erbil and a questionnaire of academic elites and city managers have been used. To show the situation of social poverty, spatial autocorrelation technique was used using hot spot analysis in Arc / GIS software and to analyze the pattern of social poverty distribution, Moran statistic was used. To analyze the data of the second part of the research (identifying the factors affecting the expansion and spatial organization of social poverty zones), the structural equation analysis model in AMOS software has been used

Results: Based on the obtained results, out of 5142 urban blocks in Ardabil in 2006, about 53% were in a very deprived and deprived condition, 26% were in a moderate condition and about 21% were in a well-off condition. In 2016, these percentages are 46, 22, 32 among 6439 urban blocks, respectively, and this also shows that Ardabil urban blocks in terms of social indicators in 2016 compared to 2006 they are in a better situation.

Conclusion: Due to the spread of urban poverty in Ardabil over the past decades, empowerment of low-income and poor in the city should be done with a multidimensional perspective (and not just paying attention to the physical dimensions). In this regard, the role of facilitator of the city management system and the realization of bottom-up planning and participatory approach is essential.

Keywords: Urban Poverty, Social Indicators, Spatial Statistics, Ardabil.

Received: May 03, 2021 Reviewed: July 09, 2021 Accepted: September 19, 2021 Published online: September 23, 2021

Citation: Ghorbani, R., Dadazade Silabi, P (2021). *Spatial analysis of urban poverty model with emphasis on social indicators and factors affecting its organization, a case study: Ardabil City*. Journal of Urban Social Geography, 8(2), 87-107. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2048](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2048)

¹ Corresponding author at: Ardabil University, Ardabil, Iran, P.C: 58831-73563. E-mail address: p_dadazade@yahoo.com (Dadazade, P).



ISSN 2645-7784

دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری

مجموعه مجلات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران



تحلیل فضایی الگوی فقر شهری با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر سازمان‌یابی آن، مطالعه موردی: (شهر اردبیل)

رسول قربانی^a، پروین دهده زاده سیلابی^b

^a استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
^b دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اردبیل، اردبیل، ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین موضوع: روند شهری شدن در کشورهای در حال توسعه با عدم تعادل‌های فضایی، قطبی شدن مناطق و گروه‌های اجتماعی و رشد بی‌قواره شهری مواجه بوده است. به طوری که ناپایداری به وجود آمده از این رشد ناموزون منجر به شکل‌گیری گستره‌های فقر در حوزه‌های شهری شده است. تحلیل فضایی این گستره‌ها، میزان محرومیت نواحی مختلف را مشخص کرده و اولویت اقدامات برای ارتقای سطح زندگی را معلوم می‌کند. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی نابرابری‌های موجود و نشان‌دادن الگوی فقر در بلوک‌های شهری اردبیل با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ و همچنین بررسی عوامل مؤثر بر سازمان‌یابی این پدیده می‌باشد.

روش: روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن تحلیل فضایی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق محدوده قانونی شهر اردبیل در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ و حجم نمونه نیز تمامی بلوک‌های آماری سال‌های مذکور است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از اطلاعات موجود در بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ شهر اردبیل و پرسشگری از نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری استفاده شده است. برای نشان‌دادن وضعیت فقر اجتماعی از تکنیک خودهمبستگی فضایی با استفاده از تحلیل لکه‌های داغ در نرم‌افزار Arc/GIS استفاده گردیده است. برای تحلیل الگوی پراکنش فقر اجتماعی نیز از آماره موران و برای تحلیل داده‌های بخش دوم پژوهش (شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر اجتماعی) نیز مدل تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS استفاده شده است.

یافته‌ها: بر اساس نتایج به دست آمده از بین ۵۱۴۲ بلوک شهری در شهر اردبیل در سال ۱۳۸۵، حدود ۵۳ درصد در وضعیت خیلی محروم و محروم، ۲۶ درصد در وضعیت متوسط و حدود ۲۱ درصد در وضعیت برخوردار و کاملاً برخوردار قرار داشتند. در سال ۱۳۹۵ نیز این درصدها به ترتیب ۴۶، ۲۲، ۳۲ در بین ۶۴۳۹ بلوک شهری می‌باشد و این امر نیز نشان‌دهنده این می‌باشد که بلوک‌های شهری اردبیل از لحاظ شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ در وضعیت بهتری قرار دارند.

نتایج: باتوجه به گسترش پدیده فقر شهری در شهر اردبیل طی دهه‌های گذشته، توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و فقیر شهر در این شهر بایستی با دیدگاه چندبعدی (و عدم توجه صرف به ابعاد کالبدی) صورت پذیرد. در این راستا، نقش تسهیل‌گر نظام مدیریتی شهر و تحقق برنامه‌ریزی پایین به بالا و رویکرد مشارکتی ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فقر شهری، شاخص‌های اجتماعی، آمار فضایی، شهر اردبیل

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱
استناد: قربانی، رسول؛ دهده زاده سیلابی، پروین (۱۴۰۰). تحلیل فضایی الگوی فقر شهری با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر سازمان‌یابی آن، مطالعه موردی: شهر اردبیل. دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۸ (۲)، ۸۷-۱۰۷.

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2048](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2048)

^۱ نویسنده مسئول: دانشگاه اردبیل، اردبیل، ایران، کد پستی: ۵۸۸۳۱۷۳۵۶۳ رایانامه: p_dadazade@yahoo.com (پروین دهده زاده سیلابی)

مقدمه

جهان به سرعت در حال شهری شدن است با توجه به ارزیابی صورت گرفته از چشم‌انداز شهرنشینی جهان در سال ۲۰۱۱ (United Nations, 2012)، جمعیت شهری جهان از ۰/۵۷ میلیارد (۲۹ درصد از جمعیت جهان) در سال ۱۹۵۰ به ۳/۶۳ میلیارد (۵۲/۱ درصد) در سال ۲۰۱۱ رسیده و انتظار می‌رود به ۶/۲۵ میلیارد (۶۷/۲ درصد) در سال ۲۰۵۰ برسد. سازمان ملل تخمین زده که جمعیت شهری مناطق در حال توسعه سالانه به طور متوسط حدوداً ۲/۰۲ درصد افزایش می‌یابد و از ۲/۶۷ میلیارد در سال ۲۰۱۱ به ۳/۹۲ میلیارد در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید (Yikang Rui, 2013:1). از این رو شهرنشینی روزافزون باعث شهری شدن فقر شده است. چنانچه به طور متوسط خط فقر شهری، ۳۰ درصد بالاتر از خط فقر روستایی است (Ravallion et al, 2007:8). چنین روندی (شهری شدن فقر)، از بزرگترین چالش‌های توسعه جهانی است؛ مرکز اسکان سازمان ملل متحد تخمین زده بیش از ۹۰۰ میلیون نفر در محله‌های فقیرنشین و زاغه‌ای زندگی می‌کنند، این رقم به طور پیوسته در حال افزایش است، چنانچه از سال ۲۰۰۰، بیش از ۲۰۰ میلیون نفر به جمعیت این سکونت‌گاه‌ها افزوده شده و در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، در طی سه دهه آتی شامل دو میلیارد نفر ساکنان نواحی فرودست شهری خواهد شد (UN-Habitat, 2007:68).

برای فهم شهری شدن فقر و تحلیل آن در شهرهای جهان در حال توسعه، نمی‌توان آن را پدیده‌ای مجزا و منفرد، در نظر گرفت بلکه این مسئله، حاصل عملکرد زمینه‌ها، عوامل، پیوندها و سازوکارهای علی متعددی می‌باشد که در ابعاد منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در هر برهه از زمان، باعث ظهور، تمرکز و تداوم الگویی متفاوت از این پدیده می‌شوند (موحد و همکاران، ۱۳۹۵:۲۱). فقر شهری، معضلی چندبعدی است که افراد را با محدودیت‌های بسیاری از جمله: دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی و درآمدی، عدم بهره‌مندی از مسکن و خدمات مناسب، محیط‌های ناسالم و خشن و عدم بهره‌مندی از خدمات اجتماعی و سازوکارهای حمایتی بهداشتی و آموزشی، مواجه می‌کند (Uwe, 2008:1, Duclos & Araal, & Araar, 2007: 225). از سوی دیگر در تبیین نابرابری فضایی و فقر شهری نمی‌توان صرفاً به بعد اقتصادی آن توجه کرد: چرا که فقر/نابرابری فضایی، فقط پدیده‌ای فیزیکی یا اقتصادی نیست، بلکه افزون بر این‌ها، پدیده‌ای اجتماعی نیز هست. پس، بخشی از فرایند تولید و بازتولید فقر/ نابرابری شهری، فرایندی اجتماعی است (ترکمه، ۱۳۹۷:۲). امروزه تعریف فقر از فقر درآمدی فراتر رفته و مقولاتی همچون عدم دسترسی به آموزش و بهداشت، فرصت‌های برابر، محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی از جمله عدم برخورداری از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، نبود امکان برخورداری از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق مدنی گسترش یافته است (غفاری، ۱۳۹۳:۲۱۵). فقر یک مساله یا مشکل اجتماعی است که به صورت خوشه‌ای و شبکه‌ای وجود دارد. جامعه‌شناسان فقر اجتماعی را یکی از چهره‌های نامطلوب زندگی اجتماعی قلمداد کرده‌اند و آن را معیاری برای ارزیابی شکاف طبقاتی در جامعه‌ای مفروض دانسته‌اند (میری آشتیانی، ۱۳۹۰:۱۰۷). وبر و نظریه‌پردازان نوسازی معتقدند که ارزش‌های اجتماعی می‌تواند بر موفقیت اقتصادی و برون‌رفت فقر از وضعیت موجود اثرگذار باشد (Instituto & Nacional, 2009).

امروزه ضعف مطالعات فقرسنجی و رویکردهای فقرمبنا در شهرها تقریباً بر همگان آشکار شده است. می‌توان گفت شناخت و تحلیل واقع‌بینانه فقر در مناطق شهری نیازمند توجه بیشتر به ابعاد اجتماعی این مساله است. زمانی که فقر تمرکز می‌یابد مسائل اجتماعی متمرکز می‌شوند، بنابراین افراد فقیر نه تنها از مشکلات و تنگدستی‌های مالی خودشان، بلکه از اثرات و تبعات منفی محیط خشن اجتماعی خود نیز رنج می‌برند؛ این محیط اجتماعی هم عامل و هم معلول فقر است

(Ren, 2011:4). شهرنشینی در کشور ما نیز با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال گسترش است. دلیل این گرایش افراطی به شهر در ایران، این است که شهرنشینی مساوی با برخورداری بیشتر از امکانات و فرصت‌های بیشتر و بهتر برای زندگی است. یک قانون ساده جامعه‌شناسی می‌گوید: هر نوع تغییر سریع و خارج از قاعده‌ای در جامعه انسانی می‌تواند موجب آشفتگی و نابسامانی - تئوری آنومی اجتماعی - گردد. شهر اردبیل از این قاعده مستثنا نبوده است؛ به‌گونه‌ای که با تبدیل این شهر به مرکزیت استان و توزیع نامتعادل امکانات اشتغال در سطح استان باعث جذب مهاجرین به این شهر شده به‌گونه‌ای که مجموع این عوامل به افزایش جمعیت این شهر منجر شده است. بررسی اطلاعات جمعیتی استان اردبیل نشان می‌دهد که در نظام شهری این استان، شهر اردبیل به‌عنوان نخست شهر بر کل، نظام شهری تسلط دارد. در سرشماری ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران و تقسیمات استانی، شهر اردبیل دارای ۴۱۸۲۶۲ نفر جمعیت و در سرشماری سال ۱۳۹۵، دارای ۵۲۹۳۷۴ نفر جمعیت بوده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۸۵)؛ هم‌زمان با این رشد سریع جمعیت و ناتوانی در ارائه خدمات و امکانات مناسب به شهروندان و همچنین رکود فعالیت‌های صنعتی، فقر شهری نیز خود را در قالب پهنه‌های فقیرنشین در داخل و حاشیه شهر گسترش یافته است. به گونه‌ای که مطالعات مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری در استان اردبیل نشانگر پیامدهایی همچون نرخ بالای بیکاری، روند افزایشی آسیب‌های اجتماعی، خودکشی، نزاع، مواد مخدر، نرخ بالای بی‌سوادی و کمبود فضاهای آموزشی، مهاجر فرستی، حاشیه‌نشینی، وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی را داشته است. برای برنامه‌ریزی و سروسامان دادن به وضعیت فقیران، ابتدا باید از موقعیت و پراکنش فضایی آنان در شهر اردبیل و همچنین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این پهنه‌ها آگاهی لازم را به دست آورد و سپس با برنامه‌ریزی دقیق، به حل این معضل چالش برانگیز شهری پرداخت تا بتوان از پیامدهای منفی گسترش پدیده فقر در سطح شهر از جمله انواع ناهنجاری‌های اجتماعی، جرم و جنایت و تکدی‌گری و... جلوگیری کرد و یا حداقل آن را تعدیل داد. رسیدن به این هدف نیز، نیازمند اتخاذ روش‌های علمی به‌ویژه در تعیین جغرافیایی پهنه‌های فقیرنشین از طریق کاربرد روش‌های آمار فضایی و تعریف شاخص‌های مناسب برای تعیین ابعاد متفاوت فقر شهری است. از آنجایی که در بیشتر موارد فقر شهری با رویکرد اقتصادی در کانون توجه بوده است و اندک مطالعاتی که به جنبه‌های اجتماعی مؤثر بر فقر شهری پرداخته‌اند، عمدتاً با استفاده از روش‌های کمی و بدون استفاده از رویکردهای کیفی انجام شده‌اند، بنابراین پژوهش حاضر به شناسایی گستره‌های فقر اجتماعی و الگوی گسترش آن طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ در شهر اردبیل می‌پردازد تا زمینه را برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران شهری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کاهش مشکلات مرتبط با فقر و محرومیت اجتماعی در محلات شهری فراهم کند. در این راستا پرسش اساسی که در این پژوهش مطرح است، این است که پراکنش فقر اجتماعی در بلوک‌های شهری اردبیل از چه الگویی تبعیت می‌کند؟ و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سازمان‌یابی آن در محدوده مورد مطالعه کدامند؟

پیشینه نظری

فقر به صورت‌های گوناگون تعریف شده است و مفهوم آن در طی زمان و بر اثر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته است. فقر به معنای محرومیت از قابلیت‌های اساسی، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصت‌های برابر است و با جنبه‌های مختلف زندگی روزمره مانند درآمد کم، گرسنگی، زندگی در شرایط ناسالم، دسترسی ناکافی به خدمات شهری و اساسی، آسیب‌پذیری، محرومیت سیاسی - اجتماعی، محرومیت از حق رای، ناامنی و غیره در ارتباط است (Zandi et al, 2019: 345). فقر را می‌توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم‌بندی نمود: برخی از

دانشمندان فقر را به دو نوع کلی فقر فردی و فقر منطقه‌ای تقسیم بندی کرده اند. فقر منطقه‌ای فقری مزمن و پایدار است در حالی که فقر فردی گذرا است (Liu et al, 2017). از طرفی فقر فردی، به شدت با فقر منطقه‌ای در ارتباط بوده و هر دو نوع فقر از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. فقر منطقه‌ای منجر به کاهش انگیزه درونی برای توسعه فردی در یک منطقه می‌شود. این در حالی است که فقر فردی منجر به توسعه آهسته ی اقتصادی، اجتماعی و زیرساختها و خدمات عمومی در آن منطقه میشود (Zhou et al, 2019). سازمان ملل متحد فقر را از چهار منظر مورد بررسی قرار داده است که عبارتند از: رویکرد پولی، رویکرد توانمندی، رویکرد اجتماعی و رویکرد مشارکتی.

- رویکرد پولی: این رویکرد متداول‌ترین نگرش به مفهوم فقر است و بر اساس آن فردی که نتواند حداقل نیازهای زندگی را که به‌عنوان استاندارد مد نظر گرفته می‌شود به دست آورد و یا درآمد کافی برای پرداخت هزینه‌های آن را نداشته باشد، فقیر محسوب می‌شود.

- رویکرد توانمندی: از نظر آمارتیا سن درآمد زمانی ارزشمند است که توانایی‌های افراد را افزایش دهد و امکان فعالیت در جامعه را به آنها بدهد. توانایی‌هایی همچون برخورداری از زندگی طولانی‌تر، کار کردن همراه با سلامت جسمانی، توانایی خواندن و نوشتن و ... در نتیجه افرادی که توانمندی آنها کمتر از سطح استاندارد باشد فقیر محسوب می‌شوند. در این رویکرد درآمد و توانمندی می‌توانند تاثیر متقابل بر هم داشته باشند.

- رویکرد اجتماعی: فقر یا محرومیت اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد یا گروه‌هایی از یک جامعه قادر به مشارکت کامل در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، نباشند و در نتیجه درآمد، توانایی‌ها و سایر مشخصه‌های اجتماعی این افراد به طور آشکارا از استانداردهای جامعه فاصله می‌گیرد.

- رویکرد مشارکتی: در این رویکرد دیدگاه‌ها و نظرات خود افراد فقر در جامعه مورد استناد می‌باشد و ویژگی‌های فقیر و فقر از منظر خود افراد تعریف می‌ود. البته سطح برخورداری و مشارکت اجتماعی در این رویکرد بسیار مؤثر است (رشیدی، ۱۳۹۳:۱۳۶).

فقر شهری نیز پدیده‌ای چندبعدی است که در مناطق شهری اتفاق می‌افتد، به این معنا که افراد فقیر از محرومیت‌های گوناگونی از قبیل کمبود دسترسی به اشتغال، خدمات و مسکن کافی، حفاظت اجتماعی، نبود دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت و ایمنی شخصی رنج می‌برند (World Bank, 2002). بانک جهانی دلایل فقر اجتماعی در شهرها را در سطح پایین سواد و بالا بودن بعد خانوار که خود کاهش پس‌انداز و صرف هزینه هنگفت برای بهداشت، آموزش، مصرف غذایی و مسکن را به دنبال دارد، می‌داند (شریفی‌نیا و حاجیلویی، ۱۳۹۰: ۸۴-۶۷). در رابطه با فقر و به‌ویژه فقر شهری، شناخت و مقابله با آن نظریات مختلفی مطرح شده است؛ این دیدگاه‌ها متنوع است و مکاتب مختلف، با دیدی متفاوت مسئله فقر را بررسی کرده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین این دیدگاه‌ها اشاره شده است:

- پارادایم انتقادی: نظریه انتقادی شهری، علاوه بر تأیید و تصدیق شرایط فعلی شهرها به‌عنوان بیان قوانین فرا-تاریخی، سازمان اجتماعی و عقلانیت بروکراتی، بر روابط و واسطه‌های سیاسی و ایدئولوژیک و در نتیجه، خصوصیات انعطاف‌پذیر شهرها که مدام در حال باز ساخت خویش است نیز تأکید می‌کند. به‌طور خلاصه، نظریه انتقادی شامل: نقد ایدئولوژی، قدرت، نابرابری، بی‌عدالتی استثمار در داخل شهرها و در بین شهرهاست (Brenner, 2009).

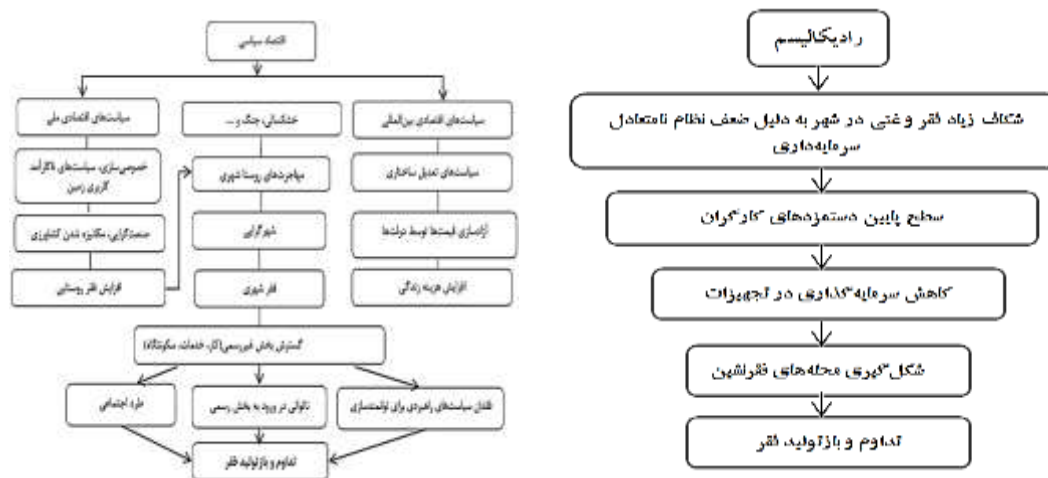
- نظریه کارکردگرایی و فقر: از دیدگاه کارکردگرایان فقر در باورهای اجتماعی و فرهنگی جامعه ریشه دارد. به هر حال فقر پایدار با فقدان دانش و آگاهی اجتماعی، بهداشت ضعیف، شیوع اجتماعی، تضعیف صداقت و صمیمیت، و از بین

رفتن اعتماد اجتماعی و وابستگی به یاری دیگران ارتباط معنی داری دارد. این مجموعه نوعی تله فقر ایجاد میکند (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

- دیدگاه اکولوژی شهری و فقر: این نظریه که به شهر، به مثابه اکولوژی انسانی و به محلات فقیر، به عنوان مناطق گذار می‌نگرد؛ توسط نظریه پردازان مکتب شیکاگو مطرح شد (Curley, 2005). اکولوژیست‌های شهری با طرح مدل کلاسیک هجوم، توالی و جانشینی، معتقدند که محلات شهری مانند دیگر سیستم‌های اکولوژی، عرصه تعارض و کشمکش گروه‌های اجتماعی هستند (Ren, 2011).

- دیدگاه رادیکالیسم و فقر: دیدگاه رادیکالی، فقر را به طور ریشه‌ای ناشی از شرایط ساختار اقتصاد سیاسی می‌داند که در ارتباط‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی عادی متبلور می‌شود، از نظر این رویکرد، شکاف گسترده بین فقیر و غنی در شهر به علت ضعف نظام نامتعادل سرمایه داری؛ سطح پایین دستمزدهای کارگران؛ اراده سرمایه داری برای مقابله با گرایش فزاینده کاهش سطح مصرف در اقتصاد سرمایه داری و کاهش سرمایه گذاری در تجهیزات و امکانات زیربنایی باعث گسترش پهنه‌های فقر شهری می‌گردد (ایران دوست و همکاران، ۱۳۹۳؛ زنگانه و همکاران، ۱۳۹۴).

- اقتصاد سیاسی و فقر: اقتصاد سیاسی، متمرکز بر ارتباط متقابل بین سیاست و اقتصاد است. مفهوم اقتصاد سیاسی با تأکید بر نقش قدرت به ویژه قسمتی از قدرت که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دخالت دارد، مشخص می‌شود (Samat & Elhadary, 2012). در این دیدگاه، محققان شهری، به توزیع ثروت و قدرت در شهر توجه کردند و معتقدند که بهترین زمین‌های شهر و بیشترین دسترسی به خدمات شهری، متعلق به ثروتمندان است. به اعتقاد آن‌ها عوامل تعیین‌کننده ساختار شهر، تعقیب منافع مادی ثروتمندان و کنش سیاسی دولت است. نقطه مشترک تمام نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی این است که همه بر نقش کنش انسانی و به خصوص بر نقش سرآمدان اقتصادی و قدرتمندان سیاسی تأکید دارند. اقتصاد سیاسی تأکید دارد که تحلیل مسائل شهری مستلزم آن است که محقق، حوادث شهر را به تغییرات اقتصادی و سیاسی حادث در جهان مربوط کند و در چارچوب این تغییرات، به تحلیل شهر بپردازد. در پژوهش حاضر نیز نظریه رادیکالیسم و اقتصاد سیاسی و فقر به عنوان راهنمای نظری این پژوهش نیز انتخاب شده است. در شکل (۱)، فرایند شکل‌گیری، تداوم و بازتولید فقر شهری از منظر رادیکالیسم و اقتصاد سیاسی نشان داده می‌شود:



شکل ۱- فرایند شکل‌گیری، تداوم و بازتولید فقر شهری از منظر رادیکالیسم و اقتصاد سیاسی

منبع: شارع‌پور، ۱۳۹۱؛ یافته‌های نگارندگان

پیشینه عملی

از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته درباره فقر مربوط به اقدامات بانک جهانی، سازمان بین‌المللی کار، سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی ملل متحد (یونسکو)، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی و صندوق جمعیت سازمان (GCAP)، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی و صندوق جمعیت سازمان ملل از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه مقابله با فقر جهانی هستند. زکری (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل تداوم فقر در بلکت بلت آلباما» که با شیوه توصیفی - تحلیلی انجام داده است، نشان می‌دهد که تداوم فقر با مسئله نژاد ارتباطی قوی داشته و در بین سیاهپوستان بیشتر از سفیدپوستان است؛ و همچنین، انزوای اجتماعی، و فقدان مشارکت در امور مدنی در پیدایش فقر اجتماعی تأثیر دارد (Zekeri, 2003). اسپن دهل و همکاران (۲۰۰۵)، پژوهشی را با هدف ازمون ارتباط بین فقر و محرومیت اجتماعی در نروژ انجام داده‌اند. در این پژوهش که با روش همبستگی ارتباط بین محرومیت اجتماعی و مدت و درجه فقر بررسی می‌گردد، نشان داده می‌شود مطالعات پیشین که با نگرش ایستا به فقر انجام گرفته است، ارتباط چندانی بین فقر و طرد اجتماعی را نشان نمی‌دهد. این پژوهش بر این باور است اگر طول زمان تجربه فقر برای افراد بیشتر شود، محرومیت اجتماعی رخ می‌دهد و هر چه مدت زمان ماندن در فقر بیشتر باشد محرومیت و طرد اجتماعی بالاتر است (Dahl et al, 2005). الکیر و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های چند بعدی فقر» نتایج منتشر شده در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴ را به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی کرده و نشان می‌دهند که فقر پدیده‌ای چندبعدی و دارای شاخص‌های گوناگون است. از بعد اجتماعی، فقر در پایین بودن سطح آگاهی، فضای ذهنی، فقدان نوآوری، ضعف خلاقیت، حاشیه‌ای شدن افراد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد ریشه دارد (Alkire et al, 2014). باینلی و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «نابرابری اجتماعی چیست و چرا مهم است؟ شواهدی از اروپای مرکزی و شرقی» نتیجه گرفتند امروزه در مقایسه با نابرابری درآمدی و ثروت، درک ضعیفی از نابرابری و فقر اجتماعی وجود دارد و در بهترین حالت به صورت ناهمگونی اندازه‌گیری می‌شود. این پژوهشگران داده‌های دوازده کشور اروپای مرکزی و شرقی را به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی کرده و نشان دادند که الگوهای متضاد ملی نابرابری اجتماعی، به‌طور قابل توجهی از الگوهای بدست آمده از ارزیابی نابرابری درآمد متفاوت است (Binelli, 2015). لانجو و مارا^۱ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود فقر را در شهرهای کوچک و بزرگ ویتنام مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش که با روش برآورد جمیعی در شهرهای کوچک. بزرگ انجام شده، نشان داد که بایستی سیاست‌گذاری مناسب در مقابله با فقر در شهرهای کوچک به‌منظور جلوگیری از مهاجرت به شهرهای بزرگ و ارتقای دسترسی به خدمات اساسی در این شهرها مدنظر قرار گیرد. میوبا^۲ (۲۰۱۹)، نیز در تحقیق خود تحت عنوان سرمایه‌ی نهادی، فقر شهری و ثروت خانوار، شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی را با روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان داد که سرمایه‌ی نهادی متکی به حاکمیت قانون، خدمات عمومی، نهادهای اقتصادی و رهبری سیاسی بوده و از سرمایه‌ی اجتماعی متمایز می‌باشد. تأکید بیشتر بر حاکمیت قانون و ارائه‌ی خدمات عمومی و نهادهای اقتصادی، ثروت بیشتر خانوارها را به‌دنبال خواهد داشت، درحالی‌که اتکای بیشتر به رهبری سیاسی موجب کاهش ثروت خانوارها و افزایش فقر شهری خواهد گردید.

از جمله مطالعاتی که به بررسی موضوع فقر شهری در ایران پرداخته‌اند می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

بزرگوار و همکاران (۱۳۹۶)، با روش تحلیل عاملی به سنجش مکانی پهنه‌های فقر شهری در شهر جدید هشتگرد پرداخته و ادعان کردند فقر گسترده و فراگیر مشخصه بارز شهر جدید هشتگرد است و به علت جانمایی مجتمع‌های مسکن مهر و فاصله میان آنها با فازهای ۱ و ۲ شهر جدید هشتگرد، نابرابری و عدم تعادل فضایی مشهود شده است و این وضعیت

۱. Lanjou and Marra

۲. Mueyba

به نوعی جدایگزینی اجتماعی منجر شده است (بزرگوار و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷-۵). فیروزیان (۱۳۹۵)، در پژوهشی با تحلیل نظریه های جامعه‌شناسان را در زمینه طبقات اجتماعی، فقر و آسیب‌های اجتماعی به بررسی رابطه فقر و فاصله طبقاتی با آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن می‌پردازد. بر اساس نتایج پژوهش ایشان، فقر و تنگدستی در دوران‌هایی از اجتماع ظهور می‌کند که منابع به‌طور یکسان در میان اقشار جامعه تقسیم نشده و حداقلی از جامعه به داشتن حداکثر منابع چشم دوخته و با این روش فاصله طبقاتی رو به افزایش رفته و طبقات اجتماعی تشکیل می‌شود (فیروزیان، ۱۳۹۵: ۷-۱). سجادیان و همکاران (۱۳۹۴)، با استفاده از تحلیل‌های نرم‌افزار SPSS و تحلیل‌های فضایی در محیط GIS با بررسی نابرابری و فقر اجتماعی در سه محله از محلات شهر اهواز وجود نابرابری اجتماعی را بین سه محله تایید کرده و نتیجه گرفتند خدمات رسانی به محلات سطح پایین جامعه کیفیت نامطلوبی دارد و در نتیجه افراد این محلات در مقایسه با محلات مرفه‌تر، دسترسی کمتری به خدمات شهری دارند (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰-۳۳). روستایی و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از تحلیل لکه‌های داغ و آماره موران، به تحلیل فضایی فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین تبریز پرداخته و نتیجه می‌گیرند کیفیت شاخص‌های اجتماعی در بلوک‌های نزدیک به متن شهر مطلوب‌تر از بلوک‌های حاشیه‌ای می‌باشد و پراکنش فقر اجتماعی به حاشیه شهر گرایش دارد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶-۱). رحمتی (۱۳۹۳)، با استفاده از تحلیل لکه‌های داغ و آماره موران، به تحلیل نابرابری‌های فضایی بر پایه شاخص‌های اجتماعی در شهر میاندواب نشان داد الگوی پراکنش نابرابری فضایی در شهر میاندواب از مدل خوشه‌ای تبعیت می‌کند. خوشه‌های محروم در این بررسی در حاشیه‌ها و خوشه‌های برخوردار به مرکز گرایش و تمایل شدیدتری دارند که این وضعیت حاکی از وجود فاصله طبقاتی و دوگانگی در فضای شهری و تفاوت در برخورداری از شاخص‌های مورد بررسی است. (رحمتی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱). پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۳)، با استفاده از مدل کمی تاپسیس، به تحلیل فضایی فقر و نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری ارومیه پرداخته و نتیجه گرفتند توسعه مادرشهر ارومیه همانند اکثر مادرشهرهای کشورهای درحال توسعه از نظام دوقطبی بالاشهری و پایین شهری پیروی کرده است. از نظر ایشان راهبرد پیشرفت توام با توزیع درآمد و مازاد اجتماعی برای حل مسائل رشد و عدالت اجتماعی می‌تواند به تعادل فضایی در این شهر منجر شود (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۰-۵۳) یوسفی و ورشوئی (۱۳۸۹)، با استفاده از شاخص ضریب جینی، برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی مختلف شهر مشهد را بررسی کرده و نتیجه گرفتند وضعیت موجود توزیع درآمد و تحصیل در بین نواحی چهل‌گانه شهر مشهد دلالت روشنی بر وجود نابرابری غیرمنصفانه در این شهر دارد (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۹۷). بنی فاطمه و ایرانی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی میزان فقر در مناطق تبریز» که با استفاده از روش پیمایشی انجام داده‌اند، نشان می‌دهند که بین فقر و ابعاد اجتماعی، فقر موقعیتی و فقر مسکن در منطقه ۱۰ شهرداری تبریز رابطه معنی‌داری وجود دارد.

می‌توان گفت که در راستای موضوع فقر و فقر شهری در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی پژوهش‌های متعددی انجام گرفته که خلاً پژوهشی در بین این مطالعات، عدم بررسی عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی فقر با بهره‌گیری از متغیرهای کلان و خرد بوده است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف پر کردن این خلاً پژوهشی مورد نگارش قرار گرفته است.

داده‌ها و روش‌شناسی

روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر از نظر هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن تحلیل فضایی می‌باشد. در این راستا، ابتدا با استفاده از بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ و با استفاده از تحلیل لکه‌های داغ (Hot Spot Analysis) در نرم‌افزار GIS به بررسی پهنه‌های فضایی فقر در شهر اردبیل (با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی) پرداخته شده و برای تحلیل الگوی پراکنش فقر اجتماعی از آماره موران (Morans I) استفاده شده است. سپس در مرحله بعدی، عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر اجتماعی در شهر اردبیل با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار

AMOS مورد بررسی قرار گرفته است. قابل ذکر است به منظور تهیه‌ی نقشه‌های شاخص‌های مورد بررسی، ابتدا در شیب‌فایل بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ شهر اردبیل هر یک از لایه‌های شاخص‌ها به فایل‌های رستری (feature to raster) تبدیل گردیده، سپس با طبقه‌بندی آنها (Reclassify) و هم‌پوشانی لایه‌ها، نقشه‌های نهایی به دست آمده است. در بخش دوم تحقیق (شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر) نیز از نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری پرسشگری به عمل آمده است که با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه‌ی آماری، ۵۰ نفر از طریق روش دلفی هدفمند به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده که روش دسترسی به این حجم نمونه بر مبنای روش گلوله‌برفی بوده است.

- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

برای سنجش فقر مانند اغلب مفاهیم دیگر نیاز به تعیین شاخص‌هایی است که هر کدام جنبه‌ای از موضوع را مورد ارزیابی قرار دهند و اصولاً باید در این ارزشیابی شاخص‌هایی اولویت داده شوند که بر واقعیت اجتماعی موضوع منطبق و به سهولت قابل بررسی و اندازه‌گیری باشند. همانگونه که در قسمت‌های پیشین مقاله عنوان شد، مرحله اول این پژوهش تحلیل الگوی فقر شهری در شهر اردبیل با تاکید بر شاخص‌های اجتماعی است. در پژوهش حاضر با استفاده از ۲۰ شاخص اجتماعی به تحلیل و شناسایی فقر در محدوده مورد مطالعه پرداخته است. جدول شماره ۱ مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق را معرفی می‌نماید:

جدول ۱- مؤلفه‌ها و شاخص‌های تعیین الگوی فقر شهری

مؤلفه	شاخص
اجتماعی	تراکم جمعیتی، بعد خانوار، میزان سالخوردگی، میزان مرگ و میر کودکان، جمعیت معلول، مهاجرت، نسبت مهاجرت مردان، نسبت مهاجرت زنان، درصد طلاق، درصد جمعیت غیرفعال، میزان وابستگی جمعیت، نرخ بیکاری، نرخ بیکاری مردان، نرخ بیکاری زنان، میزان فعالیت عمومی، نرخ بی‌سوادی، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، نرخ بی‌سوادی مردان، نرخ بی‌سوادی زنان، مشارکت اقتصادی زنان.

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس پیشینه نظری و تجربی پژوهش

شاخص‌ها و متغیرهای قسمت دوم پژوهش حاضر نیز در دو دسته کلان و خرد تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر در شهر اردبیل به شرح جدول (۲) می‌باشد.

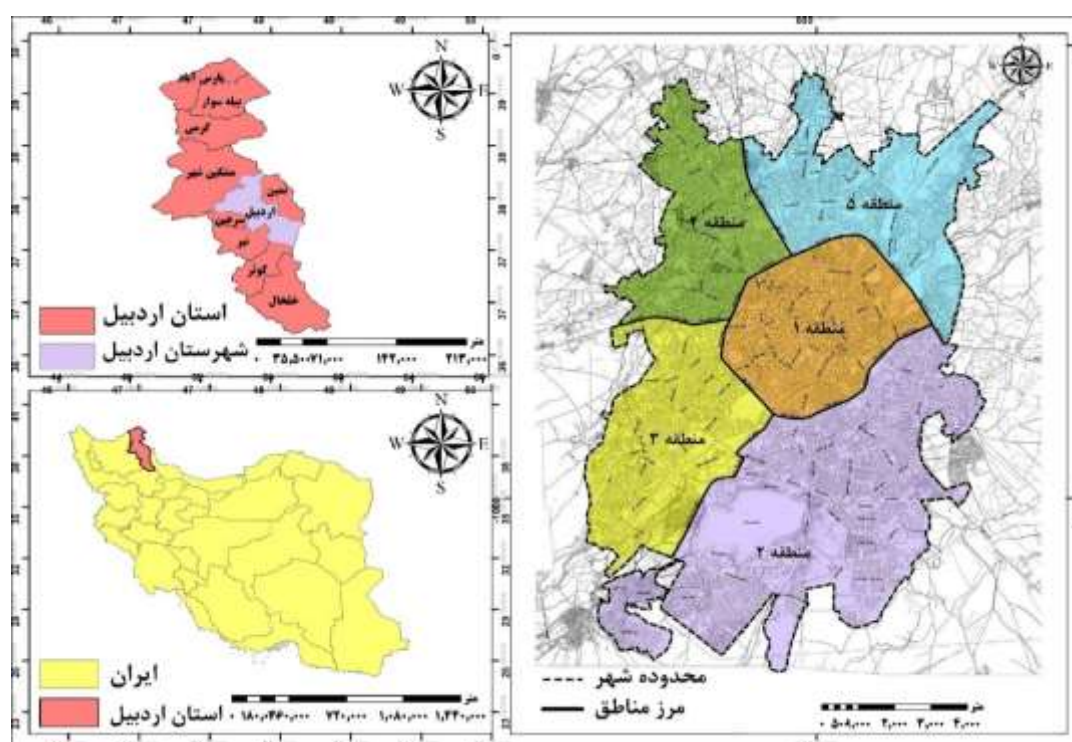
جدول ۲- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر

عوامل کلان (Macro)	عوامل خرد (Micro)
ضعف ساختار شهرنشینی در ایران با توجه به تأثیرات نظام برون‌زا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی Mac1، افزایش دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها Mac2، سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف Mac3، بی‌ثباتی اقتصاد کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب Mac4، هزینه‌های بالای زندگی در شهرها و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته Mac5، غلبه روح تکنوکراسی در نظام مدیریتی ایران و در حاشیه قرار گرفتن اقشار کم‌درآمد Mac6، کارایی نداشتن بازار کار و در نتیجه محدودیت در رشد مشاغل Mac7.	مهاجرت و افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت به شهر اردبیل Mic1، عدم مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی مناسب در مهاجرین Mic2، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر اردبیل Mic3، عدم سرمایه‌گذاری در شهر برای توسعه‌ی اشتغال به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد Mic4، دسترسی ناپذیر اقشار کم‌درآمد به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن Mic5، عدم کفایت مدیریت شهری در مورد طرح‌های توانمندسازی بافت‌های نابسامان و قوانین زمین Mic6، ناتوانی مدیریت شهری در نظارت و کنترل ساخت‌وسازها و غلبه‌ی باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین Mic7.

منبع: مطالعات اسنادی نویسندگان و اطلاعات به دست آمده از پندل دلفی، ۱۳۹۹.

قلمرو پژوهش

شهر اردبیل از لحاظ موقعیت مطلق در مشخصات جغرافیایی ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی قرار دارد و مرکز استان اردبیل می‌باشد. این استان نیز در همسایگی استان‌های آذربایجان شرقی از سمت غرب، زنجان از جنوب و استان گیلان در شرق آن می‌باشد (شکل ۲). جمعیت شهر اردبیل در اولین سرشماری رسمی ایران که در سال ۱۳۳۵ خورشیدی انجام پذیرفت، بالغ بر ۶۵ هزار نفر بوده است. این تعداد در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به ۸۳ هزار نفر، در سال ۱۳۵۵ خورشیدی به ۱۴۸ هزار نفر، در سال ۱۳۶۵ خورشیدی به ۲۸۲ هزار نفر، در سال ۱۳۷۵ خورشیدی به ۳۴۰ هزار نفر و در سال ۱۳۸۵ به ۴۱۲ هزار نفر افزایش پیدا کرده است. جمعیت شهر اردبیل بر اساس نتایج نهایی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ خورشیدی ۵۹۱۴۶۸۴۷ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۲- قلمرو جغرافیایی شهر اردبیل

یافته‌ها

برای بررسی نابرابری فضایی و تعیین گستره‌های فقر شهری در شهر اردبیل، از داده‌های بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ استفاده و در نرم‌افزار Arc/GIS با استفاده از قابلیت‌های آن، تحلیل لکه‌های داغ برای همه شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش انجام شده است. این تحلیل آماره گتیس - اردجی را برای همه عوارض موجود در داده‌ها محاسبه می‌کند. همچنین باتوجه به امتیاز Z محاسبه شده می‌توان نشان داد که در کدام بلوک‌ها داده‌ها با مقادیر زیاد یا کم خوشه‌بندی شده‌اند. بر اساس این تحلیل هرچه امتیاز Z بزرگ‌تر باشد مقادیر بالا به میزان زیادی خوشه‌بندی شده و لکه داغ را تشکیل می‌دهد. در مورد Z منفی و معنادار از نظر آماری نیز باید گفت هر چه امتیاز Z کوچک‌تر باشد به معنی خوشه‌بندی شدیدتر مقادیر پایین بوده و نشانگر لکه‌های سرد هستند. در این مرحله تحلیل لکه‌های داغ برای هر کدام از زیر شاخص‌های پژوهش انجام شده است؛ باتوجه به اینکه تعداد ۲۰ شاخص مورد نظر در دو دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت به دلیل اجتناب از طولانی شدن گزارش، از ذکر ارقام مربوط به داده‌های خام برای هر

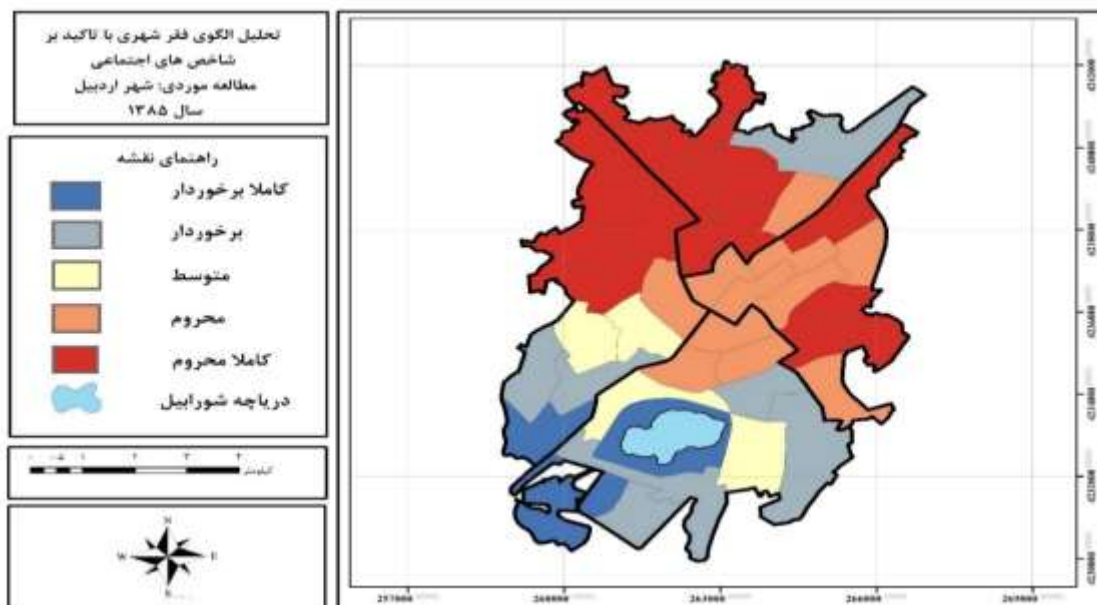
زیرشاخص به صوت مجزا، خودداری شده و به ارائه تعداد و درصد به صورت مجموع شاخص ها بسنده شده است. تعداد و درصد پراکنش فضایی فقر اجتماعی در بلوک های شهر اردبیل باتوجه به مجموع شاخص های اجتماعی در سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در جدول شماره ۳ نشان داده می شود:

جدول ۳- تعداد و درصد هر یک از سطوح نابرابری در بلوک های شهر اردبیل طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰

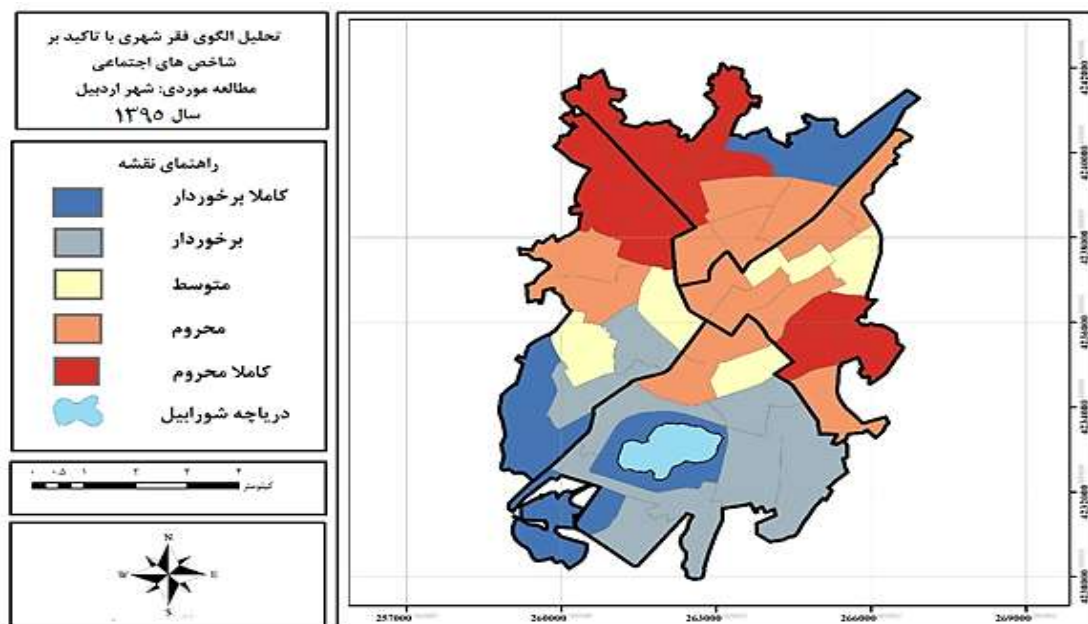
طبقات شهری	سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی محروم	۱۲۶۲	۲۳،۱۵	۱۳۱۷	۲۰،۴
محروم	۱۵۳۰	۲۹،۷۵	۱۶۰۰	۲۴،۸
متوسط	۱۳۲۲	۲۵،۷۰	۱۴۶۳	۲۲،۷
برخوردار	۹۲۰	۱۷،۸۹	۱۳۲۸	۲۰،۶
کاملاً برخوردار	۱۰۸	۲،۱	۷۳۱	۱۱،۳
جمع	۵۱۴۲	۱۰۰	۶۴۳۹	۱۰۰

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

بر اساس اطلاعات جدول فوق، در سال ۱۳۸۵، از بین ۵۱۴۲ بلوک شهری در شهر اردبیل، حدود ۵۳ درصد در وضعیت خیلی محروم و محروم، ۲۶ درصد در وضعیت متوسط و حدود ۲۱ درصد در وضعیت برخوردار و کاملاً برخوردار قرار داشتند. بر اساس اطلاعات سال ۱۳۹۵ نیز این درصدها به ترتیب ۴۶، ۲۲، ۳۲ در بین ۶۴۳۹ بلوک شهری می باشد و این امر نیز نشان دهنده این می باشد که بلوک های شهری اردبیل از لحاظ شاخص های اجتماعی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ در وضعیت بهتری قرار دارند. در این مرحله بعد از مشخص شدن نقاط سرد و داغ برای هر کدام از شاخص ها، به تلفیق نقشه ها پرداخته شده و در نهایت نقشه نهایی برای هر دو دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، باتوجه به شاخص موریس در ۵ سطح طبقه بندی شده است (شکل ۴ و ۳):



شکل ۳- وضعیت شاخص های اجتماعی مؤثر بر فقر شهری در بلوک های شهری اردبیل (سال ۱۳۸۵)



شکل ۴- وضعیت شاخص های اجتماعی مؤثر بر فقر شهری در بلوک های شهری اردبیل (سال ۱۳۹۵)

پراکنش فضایی شاخص هایی از قبیل تراکم جمعیتی، نسبت معلولیت، نرخ بیکاری، نرخ بی سوادگی در هر دوره مورد بررسی، در شهر اردبیل نشان می دهد که اکثریت بلوک های با نسبت بالای میانگین در حوزه غربی و شمال غربی شهر واقع شده اند. در پراکنش فضایی بعد خانوار نیز بخش های شمال غربی و غربی شهر و محلات جدا شده از شهر و قرار گرفته در آن سوی بزرگراه بسیج دارای بیشترین میزان خانوار با بعد خانوار بیش از میانگین می باشند که علت این موضوع را می توان در ریشه های روستایی این محلات جست و جو کرد. نواحی مرکزی شهر و پهنه های درون رینگ صفر شهر پایین ترین میزان بعد خانوار را دارند.

همان گونه که در مدل مفهومی و چارچوب نظری پژوهش عنوان شد، سیاست های اقتصاد ملی و به دنبال آن مهاجرت های روستاشهری، یکی از دلایل مهم شکل گیری و تداوم و بازتولید فقر شهری از منظر مکتب اقتصاد سیاسی می باشد. در محدوده مورد مطالعه نیز کارکرد نامناسب اقتصاد ملی در فراهم کردن امکانات به مهاجرت های گسترده از روستاهای اطراف به شهر اردبیل منجر شده و همین امر گسترش بخش غیررسمی هم در بخش کار، هم در بخش خدمات و هم در بخش مسکن را به دنبال داشته است و در نتیجه تمامی این موارد به دنبال خود باعث شکل گیری خوشه های فقر شهری در این نواحی شده است. به گونه ای که بسیاری از شاخص های اجتماعی مورد مطالعه که تأثیر منفی بر روند شکل گیری و گسترش فقر شهری دارند، در این نواحی به طور کاملاً محسوسی بالاتر از سایر مناطق شهری اردبیل می باشد.

بر اساس نقشه های پراکنش نسبت مهاجرت، محلات پناه آباد، حسین آباد، سیدآباد، اروج آباد، ملاباشی، ملایوسف، مهرآباد، کلخوران، نیار، شهرک سیلان و شهرک توحید، پذیرای بیشترین نسبت مهاجرین بوده اند. باید توجه داشت که علاوه بر تعداد مهاجرین وارد شده به محلات و نسبت آن ها به جمعیت محلات، نوع مهاجرین وارد شده نیز حائز اهمیت فراوانی هست. پیمایش انجام گرفته در شهر حاکی از آن می باشد که اکثریت مهاجران در محلات دور از مرکز شهر را مهاجران روستاهای اطراف تشکیل می دهند که به دلایل متعددی به سوی شهر روانه شده اند و دارای پتانسیل اقتصادی بالایی نمی باشند، لذا مجبور به اسکان در نواحی بافاصله از مرکز شهر شده اند. به دلیل وجود زمین های ارزان و خدمات پایین شهری در این عرصه ها، اکثر مهاجرین شهرها و روستاهای اطراف که توان تملک مسکن در سایر بخش ها را نداشتند در این عرصه ها اسکان پیدا کرده اند و این امر باعث شکل گیری محلات فقیرنشین با ساختار اجتماعی نامنسجم شده است.

این مهاجرین عمدتاً در سال‌های پس از ۱۳۷۰ و جدا شدن اردبیل از آذربایجان شرقی به این محلات وارد شده‌اند، اما به سبب ضعف اقتصادی‌شان نتوانسته‌اند وارد چرخه اصلی اقتصادی شهر شوند. در این شرایط نیز بر مبنای مکتب اقتصاد سیاسی، فقدان سیاست‌های راهبردی برای توانمندسازی مهاجرین که اکنون حاشیه‌نشینان شهری اردبیل را تشکیل می‌دهند، به ناتوانی این مهاجرین در ورود به بخش رسمی و طرد اجتماعی آنان منجر شده و این امر نیز به تولید و بازتولید فقر شهری در اردبیل دامن زده است.

بر مبنای مکتب رادیکال، شکاف زیاد بین فقیر و غنی، سطح پایین دستمزدهای کارگران و کاهش سرمایه‌گذاری در تجهیزات باعث تولید و بازتولید و تداوم فقر می‌گردد؛ در شهر اردبیل نیز شکل‌گیری خوشه‌های فقرنشین به طور بارزی بر مبنای نظریات این مکتب قابل توجه است. به گونه‌ای که همین شکاف بین غنی و فقر و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مدیریت شهری در تجهیزات و تسهیلات محلات فقیرنشین باعث شکل‌گیری فضاهای دوقطبی در شهر اردبیل شده است. از ویژگی‌های بارز محلات فقیرنشین اردبیل می‌توان به دسترسی نامناسب به خدمات تجاری، بهداشتی و درمانی، عدم تطابق افزایش جمعیت با نیازهای خدماتی و اکولوژیکی، کمبود شدید فضاهای باز و مناسب تفریحی، درصد بالای بی‌سواد و تحصیلات پایین جمعیت، عدم مهارت و تخصص نیروی شاغل اشاره کرد. پهنه‌های مرکزی شهر نیز از الگوی متفاوت‌تری پیروی می‌کند، علت قرارگیری این گستره در میان گستره‌های فقر شهری، تبعیت این بخش از پدیده زوال شهری است که در نتیجه فرسودگی بافت مرکزی، گسترش شهری، خروج ساکنان بومی و جانشینی آن‌ها با مهاجران غیربومی پدید آمده است. در مقابل این محلات، شرایط ساکنین بخش‌های جنوبی و بخشی از شمال شرقی شهر به لحاظ اجتماعی بسیار مطلوب ارزیابی می‌شود.

پس از طبقه‌بندی بلوک‌های شهری اردبیل در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، در این مرحله برای نشان‌دادن الگوی توزیع و پراکنش این نابرابری، از نرم‌افزار Arc/GIS و از ابزار خودهمبستگی فضایی استفاده شده است. ابزار آمار فضایی (خود-همبستگی فضایی) یکی از کاربردی‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای تحلیلی برای تحقیق درباره داده‌های فضایی است که در زمینه تحلیل الگوهای پراکنش و توزیع عوارض و پدیده‌ها در فضا و مکان به کاررفته می‌رود و به آماره موران I (Moran's I) معروف است. نتایج این تحلیل در دو نوع خروجی عددی و گرافیکی نشان می‌دهد که عوارض به صورت تصادفی، پراکنده یا خوشه‌ای در فضا توزیع شده‌اند. اگر مقدار شاخص موران نزدیک به عدد مثبت (+۱) باشد، داده‌ها خودهمبستگی فضایی دارند و الگوی پخش آن‌ها خوشه‌ای است و اگر مقدار موران نزدیک به عدد منفی (-۱) باشد، نگاه داده‌ها از هم‌گسسته‌اند و الگوی پخش آن‌ها پراکنده است. در مورد این ابزار فرضیه صفر آن است که هیچ نوع خوشه‌بندی فضایی بین مقادیر خصیصه مرتبط با عوارض جغرافیایی مدنظر وجود ندارد (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۶). در جدول (۴) و (۵)، نمایش عددی خودهمبستگی فضایی الگوی نابرابری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ در شهر اردبیل نشان داده شده است:

جدول ۴- خروجی عددی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل (سال ۱۳۸۵)

Moran's Index:	۰/۱۰۰۵۱۷
Expected Index:	-۰/۰۰۰۶۰۳
Variance:	۰/۰۰۰۰۶۵
z-score:	۱۲/۵۵۰۶۹۵
p-value:	۰/۰۰۰۰۰۰

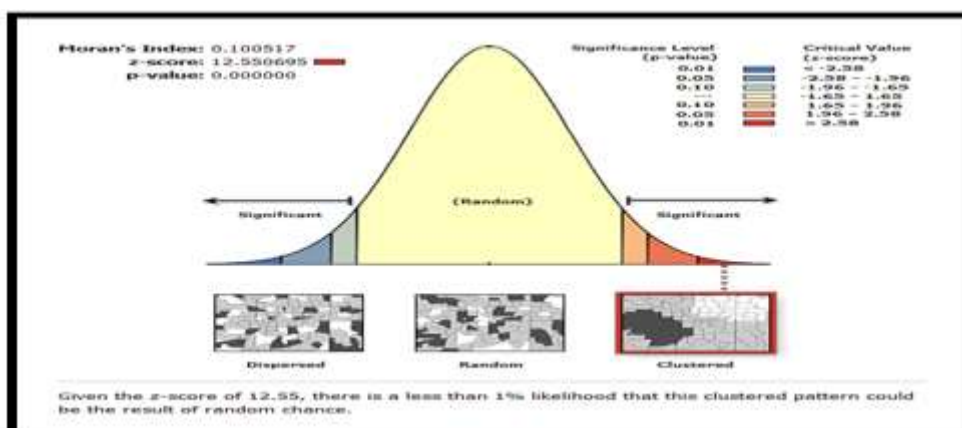
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۵- خروجی عددی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل (سال ۱۳۹۵)

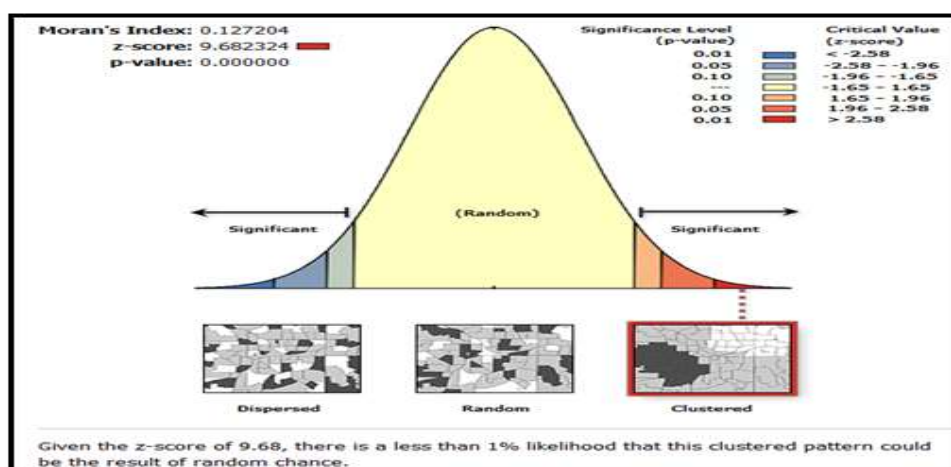
Moran's Index:	۰/۱۲۷۲۰۴
Expected Index:	-۰/۰۰۰۶۰۳
Variance:	۰/۰۰۰۱۷۴
z-score:	۹/۶۸۳۳۲۴
p-value:	۰/۰۰۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در این پژوهش شاخص موران محاسبه شده برای سال ۱۳۸۵ برابر با ۰,۱۰۰۵۱۷ و برای سال ۱۳۹۵ برابر با ۰,۱۲۷۲۰۴ می‌باشد. این مقادیر کوچکتر از یک است و از سوی دیگر مقدار P-value برابر با صفر است، می‌توان نتیجه گرفت داده‌های موردنظر دارای خودهمبستگی فضایی هستند و چون مقدار موران مثبت و نزدیک به یک است، بنابراین الگوی فضایی فقر در شهر اردبیل هم در سال ۱۳۸۵ و هم در سال ۱۳۹۵ به صورت خوشه‌ای و متمرکز بوده است. شکل (۵ و ۶)، نمایش گرافیکی این تحلیل را نشان می‌دهد:



شکل ۵- نمایش گرافیکی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل (سال ۱۳۸۵)



شکل ۶- نمایش گرافیکی تحلیل خودهمبستگی فضایی (آماره موران) برای الگوی فقر اجتماعی شهر اردبیل (سال ۱۳۹۵)

در الگوی خوشه‌ای فقر و نابرابری فضایی شهر اردبیل، خوشه‌های محروم و خیلی محروم بیشتر در قسمت‌های شمالی، شمالی غربی و غرب قرار دارند و تمرکز این خوشه‌ها در این قسمت به‌طور عمده متأثر از پدیده خزش شهری و ادغام هسته‌های روستایی به کالبد شهر هست. این بافت‌های ادغام‌شده در کالبد شهر به دلیل شرایط حاکم بر شکل‌گیری آن‌ها چه به لحاظ کالبدی چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی دارای بافت آسیب‌پذیر و ناپایدار بوده و باعث شکل‌گیری قطب‌های دوگانه در سطح شهرها می‌شود.

به‌منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فقر اجتماعی در شهر اردبیل نیز از نرم‌افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری AMOS گرافیک استفاده شده است. در این فرایند بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری AMOS و ضرایب تبیین‌کننده، ارتباط ساختاری مبتنی بر تأثیر عوامل تشریح می‌گردد. برای این منظور ابتدا ارتباط ساختاری جزئی برای این رابطه و سپس صورت کلی و نهایی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباط ساختاری جزئی یا درونی به ارزیابی ارتباط ساختاری ناشی از میزان تأثیر عوامل کلان و خرد به‌عنوان متغیر مستقل بر روی گسترش و سازمان‌یابی فقر اجتماعی در شهر اردبیل به‌عنوان متغیر وابسته بوده که برای ورود به بحث کلی و نهایی ابتدا مورد آزمون جداگانه قرار گرفته است.

جدول ۶. تحلیل پایایی تبیینی متغیر مستقل و وابسته در مدل‌سازی معادلات ساختاری

متغیرها	CR ¹	AVE ²	CA ³	P	Mac	Mic
گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر (P)	۰/۷۶	۰/۶۱۵	۰/۸۷	۰/۸۶۹	-	-
عوامل کلان (Mac)	۰/۷۲	۰/۶۴۳	۰/۷۹	**۰/۶۳۷	۰/۸۱۷	-
عوامل خرد (Mic)	۰/۷۵	۰/۶۷۴	۰/۷۱	**۰/۶۱۴	*۰/۵۹۳	۰/۷۶۴

**p < 0.01; *p < 0.05.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

ورود عوامل تبیین‌کننده ارتباط ساختاری برای ارزیابی نقش عوامل کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر اردبیل نشان می‌دهد میزان پایایی ترکیبی (CR) و ضریب پایایی (CA) به‌دست‌آمده بیش از ۰/۷ و میزان میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) که در قطر خطی جدول شماره ۶ مشخص شده است بیش از ۰/۶ می‌باشد. همچنین همبستگی مؤلفه‌های تحقیق که با رنگ تیره مشخص گردیده است در بازه ۰/۷۶ تا ۰/۸۶ بوده که ورود عوامل را برای تبیین گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر اردبیل به میزان قابل ملاحظه‌ای تشریح می‌کند.

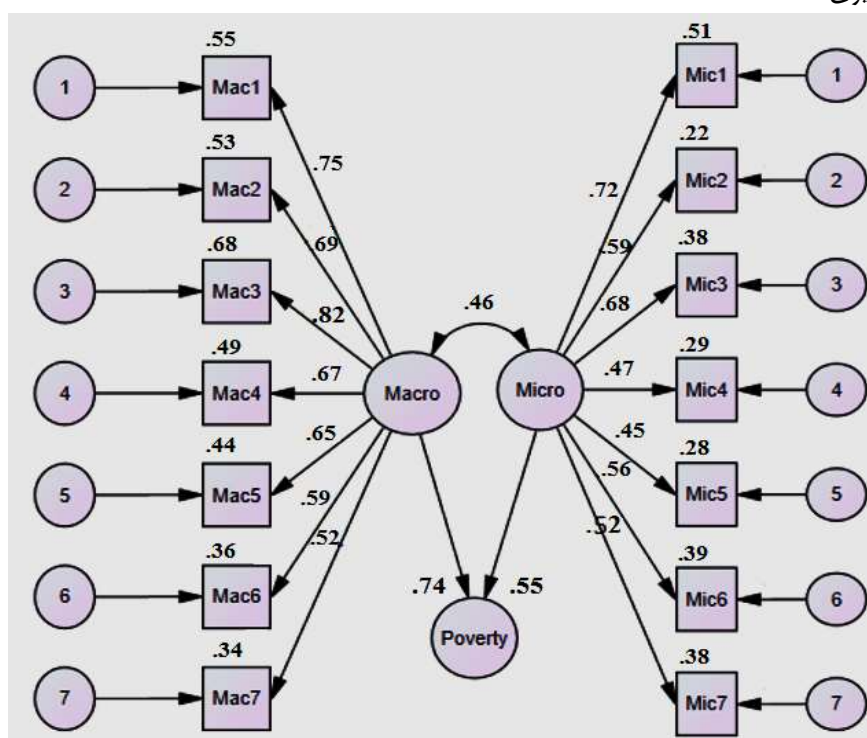
جدول ۷- آماره ساختار عاملی تأییدی ارتباط ساختاری متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	χ^2	df	P	χ^2/df	CFI	IFI	RMSEA
گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر (P)	۲۲۴/۷۳	۹۹	۰/۰۰۰	۲/۲۷	۰/۹۱۷	۰/۹۳۱	۰/۰۲
عوامل کلان (Mac)	۲۳۱/۶۶	۹۹	۰/۰۰۰	۲/۳۴	۰/۹۴۵	۰/۹۱۶	۰/۰۳
عوامل خرد (Mic)	۲۳۵/۶۲	۹۹	۰/۰۰۱	۲/۳۸	۰/۹۲۳	۰/۹۲۸	۰/۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

1. Composite Reliabilities
2. Average Variance Extracted
3. Cronbach's Alpha

مهم‌ترین سنجه‌های شکل‌دهنده آماری در ساختار عاملی تأییدی سنجه‌ی خی‌دو یا کای اسکوتر (χ^2) نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی^۱ (CFI) و شاخص برازش افزایشی^۲ (IFI) و در نهایت ریشه‌ی میانگین مربعات تقریبی^۳ (RMSEA) می‌باشد. این سنجه‌ها دارای مقدار معینی بوده که تحلیل را معنادار ساخته و به تشریح ارتباط ساختاری متغیرهای به‌دست‌آمده می‌پردازد. به علت متورم شدن میزان کای اسکوتر در نمونه‌های تحلیلی، اکثر تحلیل‌گران از نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی استفاده می‌کنند که نمونه‌های دقیق تحلیل‌شده برای شناسایی ساختار را به‌دست می‌دهد. مقدار این نسبت باید ترکیب نیمی از داده‌ها را دربر گیرد. به دیگر سخن نباید کمتر از دو باشد تا بتوان به معناداری داده‌های به کار رفته اطمینان داشت. نتایج تحلیل ساختار ارتباطی سه متغیر شناسایی شده در این سنجه نشان از قابل قبول بودن آن دارد. شاخص‌های برازش تطبیقی و افزایشی مطابق با استانداردهای آماری تعیین‌شده هرچه به سمت ۱ میل کنند برازش از سطح نکویی بالایی برخوردار خواهد بود. نتایج این دو شاخص برای متغیرها و تبیین ارتباط ساختاری آن‌ها قابل قبول به‌دست‌آمده است. شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز آخرین سنجه‌ی ساختارشناسی در این مرحله است که در الگوهای قابل قبول مقدار ۰/۰۸ یا کمتر دارد. برازش الگوهایی که مقادیر بالاتر از ۰/۱ دارند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از ۰/۰۸ است که نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب الگوها، توسط داده‌ها است. در نهایت، باتوجه‌به مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری برازش خوبی دارند و به این معناست که متغیرهای آشکار به‌خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.



شکل ۷- معماری ساختار ارتباطی تأثیر متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر اجتماعی شهر اردبیل

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

1. Comparative Fit Index

2. Incremental Fit Index

3. Root-Mean-Square-Error of Approximation

بر اساس نتایج به دست آمده تأثیرگذاری متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر شهری در اردبیل به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۵۵ می‌باشد. همچنین در بین متغیرهای فرعی کلان بیشترین تأثیرگذاری بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر اردبیل مربوط به متغیرهای سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف، ضعف ساختار شهرنشینی در ایران باتوجه‌به تأثیرات نظام برون‌زا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی و افزایش دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها به ترتیب بارزش ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۶۹، و در بین متغیرهای فرعی خرد مهاجرت و افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت به شهر اردبیل و ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر اردبیل بارزش ۰/۷۲ و ۰/۶۸ می‌باشد. پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیه‌ها دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و P به کار گرفته شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی می‌بایست بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو، بااهمیت شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان است. بر اساس نتایج مدل مقدار بحرانی برای متغیرهای کلان ۳/۴۲۱ و متغیرهای خرد ۲/۸۵۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است.

نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می‌شود و در طول زمان، تصویری منسجم از فقر ارائه می‌دهد؛ در نتیجه، برنامه‌ریزان می‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و اقدامات لازم را انجام دهند. در بحبوحه این اقدامات نیز نزاع بین عین و ذهن یا به عبارتی امروزی‌تر، نگرش کمی و کیفی جهت به فرجام رسیدن کوشش‌های رفع فقر، بیش از هر چیزی نمایان است. در سال‌های اخیر این نزاع به نفع نگرش کیفی و تأکید بر شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی، دگرگون شده است. به‌گونه‌ای که در ادبیات امروز به نقش شاخص‌های اجتماعی به‌عنوان تسهیل‌کننده و تسریع‌بخش توسعه و رفع فقر توجه بسیاری شده است.

گسترش پدیده فقر خصوصاً در نواحی حاشیه‌ای شهر اردبیل، مهم‌ترین مشکل این شهر است که طی سال‌های اخیر با مهاجرت‌های روستایی و الحاق بافت‌های روستایی به محدوده این شهر و گسترش امر حاشیه‌نشینی، افزایش یافته است. باتوجه‌به اینکه شناسایی و سنجش ابعاد معضلات به‌وجود آمده در بلوک‌های شهری اردبیل نه‌تنها ضرورتی برای کاهش فقر و نابرابری، بلکه ضرورتی برخاسته از ارزش‌های انسانی است، لذا در این پژوهش ۲۰ شاخص اجتماعی از اطلاعات بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، استخراج‌شده و با فراخوانی این شاخص‌ها به محیط Arc GIS، به بررسی وضعیت فقر و نابرابری در شهر اردبیل پرداخته شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده از بین ۵۱۴۲ بلوک شهری در شهر اردبیل در سال ۱۳۸۵، حدود ۵۳ درصد در وضعیت خیلی محروم و محروم، ۲۶ درصد در وضعیت متوسط و حدود ۲۱ درصد در وضعیت برخوردار و کاملاً برخوردار قرار داشتند. در سال ۱۳۹۵ نیز این درصدها به ترتیب ۴۶، ۲۲، ۳۲ در بین ۶۴۳۹ بلوک شهری می‌باشد و این امر نیز نشان‌دهنده این می‌باشد که بلوک‌های شهری اردبیل از لحاظ شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ در وضعیت بهتری قرار دارند.

بلوک‌هایی که در هر دو دوره به لحاظ شاخص‌های اجتماعی در وضعیت خیلی محروم می‌باشند بیشتر شامل بخش‌های حاشیه‌ای شهر به‌خصوص محلات و مناطق واقع در بخش‌های شمال‌غربی و غربی شهر مانند محلات سلمان‌آباد، میراشراف، پناه‌آباد، حسین‌آباد، اسلام‌آباد، سیدآباد و کاظم‌آباد و ... می‌شوند. بلوک‌های با وضعیت محروم نیز، تقریباً در تمامی مناطق

۴ گانه شهر اردبیل به چشم می‌خورند اما تمرکز این بلوک‌ها نسبتاً در بخش‌های شمال غربی و غربی شهر بیشتر است. نکته شایان توجه در بحث توزیع فضایی فقر در محدوده مورد مطالعه وضعیت نامناسب روستاهای الحاق شده به شهر می‌باشد که در حال حاضر بانام محلات شهری شناخته می‌شوند. ساکنین این مناطق از آنجایی که جز مهاجران روستایی هستند، در وضعیت نامناسب اجتماعی قرار دارند. این پهنه‌ها در هر دوره مورد مطالعه جز محلات آسیب‌پذیر اجتماعی به لحاظ فقر شناسایی شده‌اند. همچنین تحلیل خودهمبستگی فضایی موران، بیانگر پراکنش خوشه‌ای فقر اجتماعی در شهر اردبیل، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ بود و این نوع پراکنش باعث ایجاد دوگانگی فضایی در این شهر شده است.

بررسی‌های به‌عمل آمده در راستای تحلیل فضایی فقر و عوامل مؤثر بر سازمان‌یابی آن در شهر اردبیل از آن است که سیاست‌های نامناسب در حوزه‌ی کلان و همچنین کاستی در نظام مدیریتی شهر باعث سازمان‌یابی و گسترش پهنه‌های فقر در شهر اردبیل گردیده است. عواملی مختلفی طی چند دهه‌ی اخیر به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی و صنعتی شدن کشاورزی تا عصر حاضر بر گسترش و سازمان‌یابی پهنه‌های فقیر در شهر اردبیل تأثیرگذار بوده است که در حوزه‌ی کلان می‌توان به عدم تعادل در نظام شهری و روستایی و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها، عدم دسترسی عادلانه به منابع قدرت، ثروت و درآمد، بی‌ثباتی اقتصاد کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته و در حوزه‌ی خرد به افزایش مهاجران به شهر اردبیل بامهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی پایین، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر، ناتوانی نظام مدیریتی شهر در توسعه‌ی اشتغال، توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و نظارت بر کنترل ساخت‌وسازها اشاره کرد.

پیشنهادها

توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای راهبردی جهت کاهش فقر و نابرابری و دوگانگی فضایی در شهر اردبیل عبارت‌اند از:

- تدوین برنامه‌ای جامع بلندمدت جهت فقرزدایی در سطح محلات شهر اردبیل؛
- ایجاد ساختارهای نهادی جهت ایجاد پروژه‌های کارآفرینی باتوجه‌به موقعیت توریستی شهر اردبیل؛
- افزایش پس‌انداز گروه‌های فقیر و کم‌درآمد از طریق ایجاد زمینه‌های شرکت زنان در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی؛
- در حوزه‌ی خرد و نظام مدیریتی شهر اردبیل می‌توان عنوان کرد که توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و فقیر شهر بایستی با دیدگاه چندبعدی (و عدم توجه صرف به ابعاد کالبدی) صورت پذیرد؛
- افزایش آگاهی و توسعه رویکردهای مشارکتی در تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری؛
- چاره‌جویی برای ریشه‌یابی و اصلاح مسئله مهاجرت‌های روستا شهری؛
- برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای رفع کمبود امکانات فرهنگی و اجتماعی در قسمت شمال غربی و غربی شهر اردبیل؛
- اختصاص خدمات و امکانات شهری به روستاهایی که با کالبد شهر ادغام شده‌اند.

References:

- ایران دوست، کیومرث؛ اعظمی، محمد؛ تولایی، روح‌الله (۱۳۹۳). **شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران**. مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای دوره، شماره ۲۱، صص ۴۳-۶۰.
- بزرگوار، علیرضا؛ زیاری، کرامت‌الله؛ تقوایی، مسعود (۱۳۹۶). **سنجش مکانی پهنه‌های فقر شهری در شهرهای جدید موردمطالعه: شهر جدید هشتنگرد**. فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۲، صص ۲۷-۵.
- بنی فاطمه، حسین؛ ایرانی، سعید (۱۳۸۹). **بررسی تطبیقی میزان فقر در مناطق مختلف شهر تبریز**. مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۳، شماره ۷، صص ۷-۲۲.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ حکمت‌نیا، حسن؛ صفرلویی، محمدعلی (۱۳۹۳). **بررسی و تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری ارومیه**. دوفصلنامه بوم‌شناسی شهری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۷۰-۵۷.
- ترکمه، آیدین (۱۳۹۷). **بازاندیشی غیررسمیت و فقر/نابرابری شهری: دیدگاهی روش‌شناختی**. فضا و دیالکتیک، شماره ۹، صص ۱-۹.
- خراسانی، محمدمبین؛ مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ محمدی، مجید (۱۳۹۹). **رویکردی تطبیقی به ارزیابی و تحلیل محتوای مقالات علمی فقر روستایی در ایران**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۱۳-۱۴۰.
- رحمتی، خسرو (۱۳۹۳). **تحلیل نابرابری‌های فضایی بر پایه شاخص‌های اجتماعی در شهرهای میانه اندام (نمونه موردی: شهر میاندوآب)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر شهریار روستایی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- رشیدی، پیام (۱۳۹۳). **بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان خراسان رضوی (۱۳۸۵-۱۳۹۱)**. فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دوره ۴، شماره ۱-۱۵، صص ۱۳۳-۱۵۵.
- روستایی، شهریور؛ زادولی، فاطمه؛ زادولی، شاهرخ (۱۳۹۳). **تحلیل فضایی پراکنش فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین نمونه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز**. فصلنامه توسعه شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۶-۱.
- روستایی، شهریور؛ کریم‌زاده، حسین؛ رحمتی، خسرو (۱۳۹۵). **تحلیل نابرابری‌های فضایی بر پایه شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در شهرهای میانه اندام مطالعه موردی: شهر میاندوآب**. پژوهش‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۴، شماره ۳، صص ۴۷۱-۴۴۹.
- زنگانه، احمد؛ تلخایی، حمیدرضا؛ گازرانی، فریدون؛ یوسفی فشکی، محسن (۱۳۹۴). **گسترده‌های فضایی فقر شهری اراک**. تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۹۳-۱۰۷.
- سجادیان، ناهید؛ نعمتی، مرتضی؛ شجاعیان، علی؛ قنواتی، طاهره (۱۳۹۴). **تحلیل نابرابری اجتماعی بر اساس متغیرهای منتخب در شهر اهواز (نمونه موردی: شهرک نفت، گلستان، حصیرآباد)**. فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۶۰-۳۳.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۸۵.

شارع‌پور، محمود (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات سمت.

شریفی‌نیا، زهرا؛ مهدوی حاجیلویی، مسعود (۱۳۹۰). *نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط‌زیست (مطالعه موردی: مرتع ممیزی شده شوررود، بخش سیب آب شهرستان زابل*. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۳، شماره ۷۶، صص ۶۷-۸۴.

عسگری، علی (۱۳۹۰). *تحلیل‌های آمار فضایی با Arc GIS*. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، صص ۱۳۷.

غفاری، مجتبی (۱۳۹۳). *راهکارهای کاهش فقر: رهیافتی در اقتصاد نهادگرایی*. نشریه علمی برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۲۱۵-۲۴۲.

فیروزیان، سارا (۱۳۹۵). *بررسی رابطه فقر و فاصله طبقاتی با آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن*. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران.

موحد، علی؛ ولی‌نوری، سامان؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ زنگانه، احمد، کمان رودی کجوری، موسی (۱۳۹۵). *تحلیل فضایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران*. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۹-۳۶.

میری آشتیانی، الهام (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسایل اجتماعی در ایران*. تهران: فرهنگ، صص ۱۰۷.

یوسفی، علی؛ ورشوئی، سمیه (۱۳۹۰). *نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر*. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۴، صص ۹۷-۱۲۵.

Alkire, S., Adriana, C., Suman, S (2014). *Multidimensional Poverty Index 2014: Brief Methodological Note and Results*. Oxford Poverty and Human Development Initiative, University of Oxford. <http://www.ophi.org.uk/wp-content/uploads/Global-MPI-2014-BriefMethodological-Note-and-Results.pdf>.

Binelli, C., Loveless, M., Whitefield, S (2015). *What is social inequality and why does it matter? Evidence from central and eastern Europe*. World Development, 1(70), pp. 239-248.

Brenner, N (2009). *What is critical urban theory?*. CITY, VOL. 13(2), JUNE.

Curley, A (2005). *Theories of urban poverty and implications for public housing policy*. J. Soc. & Soc. Welfare.

Dahl, E., Tone, F., Thomas, Lorentzen (2005). *Poverty dynamics and social exclusion –An analysis of Norwegian panel data*. Paper to be presented at the Annual Conference of the International Sociological Association's Research Committee on Poverty, Social Welfare and Social Policy (RC19), Chicago, pp. 8-10.

Duclos, J., Araar A (2007). *Poverty and Equity: Measurement, Policy and Estimation*, Springer.

Elhadary, Y., Samat, N (2012). *Political economy and urban poverty in the developing countries: Lessons learned from Sudan and Malaysia*. Journal of geography and Geology, 4(1). pp. 227-235.

Instituto, Nacional (2009). *Poverty And Its Measurement*. The Presentation Of A Range Of Methods To Obtain Measures Of Poverty.

Lanjouw, P., Marra, M.R (2018). *Urban poverty across the spectrum of Vietnam's towns and cities*. World Development, 110, pp. 295-306.

- Liu, Y., Liu, J., Zhou, Y (2017). *Spatio-temporal patterns of rural poverty in China and targeted poverty alleviation strategies*. Journal of Rural Studies, 52, pp. 66-75.
- Muyeba, S (2019). *Institutional capital, urban poverty and household wealth in Cape Town*. World Development Perspectives, 16(123), pp. 1-13.
- Ravallion, M., Chen, Sh., Sangraula, P (2008). *Dollar a Day Revisited*. Policy Research Working Paper 4620. World Bank, Washington, DC.
- Ren, C (2011). *Modeling poverty dynamics in moderate-poverty neighborhoods: a multi-level approach*. (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- UN HABITAT (2007). State of the World's Cities, report 2007, Harmonious.
- United Nations (2012). *World Urbanization Prospects: The 2011 Revision United Nations*. Population Division of the Department of Economic and Social Affairs, (New York. ESA/P/WP/224.
- Uwe, D (2008). *Achieving urban sustainability: integard urban management*. Asia and Europe Environment Forum, Nov 28-30, Shenzhen. China.
- World Bank (2002). *Poverty Reduction and the World Bank: Progress in Operationalizing the WDR2000/2001*. Washington DC, Worldbank.
- Yikang, R (2013). *Urban Growth Modeling Based on Land-use Changes and Road Network Expansion*. Doctoral Thesis in Geodesy and Geoinformatics with Specialization in Geoinformatics Royal Institute of Technology Stockholm, Sweden, 2013.
- Zandi, R., Zangane, B., Akbari, E. (2019). *Zoning and spatial analysis of poverty in urban areas (Case Study: Sabzevar City-Iran)*, Journal of Urban Management, 8(3), pp. 342-354.
- Zekeri, A (2003). *The Causes of Enduring Poverty in Alabama*. Black Belt, Rural. Department of Psychology and Sociology, Tuskegee University Tuskegee.
- Zhou, Y., Guo, L., Liu, Y (2019). *Land consolidation boosting poverty alleviation in China: Theory and practice*. Land Use Policy, 82, pp. 339-348.